

فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا

شماره نخست - بهار ۱۳۸۸

صص ۹۱ - ۱۰۰

تحولات جدید خاورمیانه: چالش‌های درون‌ساختاری و فرایندهای امنیتی در خاورمیانه

دکتر بهرام منتظری^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۶/۱۶

تاریخ تصویب: ۱۳۸۷/۹/۲۴

چکیده

خاورمیانه شاهد پایان عصر سلطه آمریکایی است. کاخ سفید پس از ۱۱ سپتامبر، اسلام را بزرگترین چالش غرب در سنت و در راهبرد امنیت ملی قرن بیست و یکم خود و خاورمیانه را محل اسلام سیاسی و مسلح معرفی کرد و به امید اینکه با واژگونی یکسوی دولتهای غیروابسته و غیرهمانند و انجام اصلاحات در دولتهای وابسته، سلطه بلامنازع خود را تضمین کند، راهبرد پیشدستانه را اتخاذ نمود. امروزه نیروی محرک سیاسی در خاورمیانه اسلام‌گرایی و نظامی‌گری محسوب می‌گردد. نظامی‌گری ویژگی مشخص کشورهای خاورمیانه و اسلام‌گرایی به‌عنوان نیروی محرک سیاسی و موجب تغییرات سیاسی و امنیتی در منطقه تلقی می‌شود. فرضیه این نوشتار بر آن است که: امروزه در منطقه خاورمیانه مشخصه‌هایی از

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا

جدال سیاسی و استراتژیک بین دو الگوی محافظه‌کار و رادیکال و مخالف صریح با مداخلات غرب در منطقه مشهود است، بنابراین غرب به سرکردگی آمریکا برای مقابله با هرگونه مقاومت سیاسی و ایدئولوژیک اسلام‌گرایان، به جدال سیاسی علیه فضای امنیتی موجود در منطقه اقدام می‌کند. روش پژوهش مقاله حاضر به صورت نظری و ابزار جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و تجزیه و تحلیل داده‌ها تبیینی - تحلیلی است. **واژه‌های اساسی:** خاورمیانه، اسلام‌گرایی، نظامی‌گری، امنیت.

مقدمه

امروزه منطقه خاورمیانه را به حق می‌توان منطقه‌ای با بحران‌های بین‌المللی به خصوص بعد از ۱۱ سپتامبر محسوب کرد. در اندیشه غربی‌ها، جهان‌بینی اسلامی عنوان بزرگترین چالش غرب را یافته و در راهبرد امنیت ملی خود در هزاره سوم، منطقه خاورمیانه محل اسلام سیاسی و نیز مسلح قلمداد گردیده است.

غرب نیروی محرک سیاسی در خاورمیانه را اسلام‌گرایی منطقه می‌داند و در صدد ایجاد تغییرات امنیتی و سیاسی در خاورمیانه است. از سوی دیگر برخی از دولت‌های خاورمیانه دارای توانایی و علاقه‌مند به تهدید و توسل به قوه قهریه هستند تا جایی که دیگر کشورهای منطقه را به صراحت و به طور رسمی تهدید می‌نمایند و با این کار ثبات امنیتی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را در منطقه دچار مشکل می‌کنند.

رژیم اشغالگر قدس از جمله این دولتهاست، رهبران این رژیم، بقا و ثبات امنیت ملی کشور خود را از طریق افزایش قدرت نظامی دانسته، به شدت این موضوع را مورد توجه قرار می‌دهند و در بسیاری از منازعات منطقه‌ای، ایالات متحده آمریکا را همراهی می‌کنند.

به طور کلی، اکنون نشانه‌هایی بارز از جدال سیاسی و استراتژیک دو الگوی محافظه‌کار و رادیکال و مخالفت صریح با مداخلات غرب در منطقه مشهود است. از این رو غرب به سرکردگی آمریکا برای مقابله با چنین فضایی به جدال سیاسی علیه فضای امنیتی موجود در خاورمیانه اقدام می‌کند. نتیجه اینکه در میان مناطقی که درون محدوده‌های به اصطلاح خاورمیانه قابل شناسایی هستند، خلیج فارس مدل منحصر به فردی از یک منطقه ژئوپلیتیک است و اینکه اکثر کشورهای تشکیل‌دهنده آن در زمره واحدهایی محسوب می‌شوند که تولیدکننده نفت بوده و می‌توانند بر اقتصاد جهانی تأثیر بجا گذارند. این نوشتار به منظور تبیین و تحلیل هر چه بیشتر، به این مباحث می‌پردازد:

۱. معضل امنیتی خاورمیانه و تسلیحات‌گرایی منطقه‌ای

از راه‌های کسب مشروعیت سیاسی از سوی غرب برای جدال‌گرایی در نظام بین‌الملل «غیریت‌سازی» است. شکل‌بندهای قدرت در منطقه خاورمیانه از عوامل حساسیت‌برانگیز محافظه‌کاران آمریکایی به‌شمار می‌رود. آنان گروه‌های تندروی سیاسی و جهان‌بینی اسلام را به‌عنوان نیروهای تهدیدکننده منافع آمریکا می‌دانند، به این دلیل سطح گسترده‌ای از مداخله‌گری آمریکا در حوزه‌های جغرافیایی خاورمیانه صورت می‌گیرد و از این طریق می‌توانند درگیری‌های پایدار را پیش‌بینی کنند. به‌طور کلی غرب به سرکردگی آمریکا تلاش دارد تا هرگونه درگیری در منطقه خاورمیانه را براساس ملاک و معیار و شاخص‌های امنیتی خود تبیین کند.

در شرایطی که معضل امنیتی بهانه‌ای شده که براساس آن هر دولتی از رهگذر دستیابی به تسلیحات در جست‌وجوی امنیت باشد، ناامنی عمومی تشدید و هر کشور از آزادی عمل کاملی برخوردار شده است. در طول دو دهه آخر قرن بیستم مسیحی، منطقه خاورمیانه در صدر فهرست خریداران و دارندگان تسلیحات نظامی در جهان قرار داشت. (ایزدی، ۱۳۸۰: ۱۴).

آمار گواه خوبی است بر اینکه در خاورمیانه از سال ۱۹۹۷ خرید تسلیحات و به اصطلاح بودجه‌های دفاعی افزایش چشمگیری داشته است؛ برای مثال می‌توان از این کشورها نام برد:

عربستان سعودی ۱۸/۴ میلیارد دلار، ترکیه ۸/۲ میلیارد دلار، اسرائیل ۷ میلیارد دلار، ایران ۵/۸ میلیارد دلار، کویت ۴ میلیارد دلار، امارات متحده عربی ۳/۷ میلیارد دلار، مصر ۲/۸ میلیارد دلار، عمان ۱/۸ میلیارد دلار، سوریه ۱/۷ میلیارد دلار.^(۱)

قابل توجه آنکه روندهای بحران‌آمیز خاورمیانه، موجب گسترده شدن نظامی‌گری در منطقه شده است. در دوران بعد از فروپاشی نظام دو قطبی، کشورهای غربی با بحران‌سازی در منطقه زمینه لازم را برای فروش تسلیحات خود به کشورهای خاورمیانه فراهم کردند (همان: ۲۹).
در عین حال شاهدیم که آمریکا شرکتهای روسی را که به ایران و سوریه سلاح و یا فناوری فروخته بودند تهدید به اعمال تحریم می‌کند و از دیگر سو به متحدان خود، عربستان سعودی، ترکیه و رژیم اشغالگر قدس مدرن‌ترین سلاح‌ها را می‌فروشد.

(International Herald Tribune, 30 July, 1998).

۲. قابلیت‌های استراتژیک کشورهای خاورمیانه

واضح است که کشورهایی که منافع آمریکا را در منطقه به مخاطره می‌اندازند با مخاطره امنیتی از سوی آمریکا یا به طور مستقیم و یا غیرمستقیم یعنی با قوی کردن قدرت نظامی کشورهای متحد آمریکا در منطقه روبه‌رو خواهند شد. بنابراین این کشورها در صدد افزایش بودجه دفاعی خود بر خواهند آمد.

الف) قابلیت‌های استراتژیک ترکیه در حوزه خاورمیانه

ترکیه از جمله کشورهای منطقه است که به توسعه ارتش خود بسیار توجه نموده است. همچنین این کشور از جمله عمده‌ترین دریافت‌کنندگان سلاح‌های سنگین بوده که در چارچوب برنامه CASCADE سلاح را به طور مجانی دریافت می‌کند.

(International, 21 July, 1993).

ترکیه در فضای ژئوپولیتیکی خاورمیانه اهمیت زیادی دارد و چنین به نظر می‌رسد که نقش این کشور در آتیۀ منطقه حساس خواهد بود، گرچه جدال‌های سیاسی خاورمیانه و گسترش اصول‌گرایی را باید از عوامل و شاخص‌های ارتقای قدرت سیاسی ترکیه در منطقه تصور کرد.

با توجه به نگرش مثبت آمریکا به ترکیه و توجه دولتمردان این کشور به ارتش و اینکه این کشور تا سال ۱۹۹۳ دومین ارتش بزرگ در پیمان ناتو را دارا بود باید گفت این مسائل برای برهم زدن موازنۀ قدرت در مناطق خاورمیانه و بالکان یک تهدید محسوب می‌شود.

در سالهای اخیر با توجه به تغییر در موازنۀ قدرت بین‌المللی و منطقۀ خاورمیانه و ظهور کشورهای تازه به استقلال رسیده در اروپای شرقی، همچنین بازسازی نقش اسلام‌گرایان در ساختار سیاسی ترکیه، جایگاه آن کشور در حوزه منطقۀ ای تغییر یافته است، البته این مسأله را باید به‌عنوان بستری برای بازسازی ساختار قدرت منطقۀ ای به‌شمار آورد.

از میان کشورهای منطقۀ خاورمیانه ترکیه انگیزۀ بیشتری برای ایفای نقش امنیتی و حداکثرسازی قدرت نظامی و استراتژیک خود دارد. این مسأله از این جهت اهمیت دارد که:

الف) ترکیه بسیار اصرار دارد که در آسیای مرکزی، قفقاز و اروپای مرکزی دارای نقش منطقۀ ای گسترده باشد.

ب) با توجه به اینکه ترکیه در حال حاضر دارای بحران‌های قومی است و این مسأله قابلیت نظامی ترکیه را کاهش می‌دهد بنابراین همکاری وسیع دولتمردان ترکیه با آمریکا را می‌توان به‌منظور تأمین ضرورت‌های امنیتی ترکیه به حساب آورد.

ب) قابلیت‌های استراتژیک اسرائیل در حوزه خاورمیانه

با توجه به عدم مشروعیت و مقبولیت مردمی اسرائیل در حوزه خاورمیانه و مخالفت صریح برخی از دولتها با این کشور، مقامات اسرائیلی شرایط خاصی را برای این کشور احساس می‌نمایند، به همین علت آنان همواره درصدد حداکثرسازی قدرت نظامی و استراتژیک خود هستند. اسرائیل دومین رژیم است که بودجه دفاعی زیادی را صرف مسائل نظامی و دسترسی به پیشرفته‌ترین ادوات جنگی، البته با کمک آمریکایی‌ها و متخصصان مهاجر به اسرائیل نموده است. بهره‌گیری از ساختارهای نظامی و امنیتی برای حداکثرسازی نقش منطقه‌ای اسرائیل منجر به افزایش تعارضات منطقه‌ای شده است.

ج) قابلیت‌های استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه

برنامه‌ریزی‌های دفاعی ایران برای مقابله با تهدیداتی است که به طور گسترده، امنیت ملی ایران را با مخاطره روبه‌رو کرده و از طرفی این برنامه‌ها سعی در احیای ظرفیت‌ها و قابلیت‌های نظامی از دست رفته در طول جنگ تحمیلی دارد.

نتیجه اینکه ضرورت‌های دفاعی و استراتژیک ایران ایجاب می‌کند تا الگوی معطوف به حداکثرسازی قدرت را در دستور کار خود قرار دهد. تلاش‌های ایران برای خریدهای تسلیحاتی، عکس‌العملی است به یک دهه تحریم طی دوران جنگ تحمیلی و از دیگر سو، آمادگی کامل برای مقابله با جنگ دیگری که ممکن است بر ایران تحمیل شود (Chobin, 1994: 20).

نظریه‌پردازانی همچون آنتونی کورزمن معتقدند که طی سالهای اخیر قابلیت‌های دفاعی ایران افزایش فزاینده‌ای داشته و این قدرت‌سازی ایران را می‌توان در واقع واکنشی عقلایی نسبت به تهدیدات دشمنان خارجی به سرکردگی آمریکا دانست. هر چند که این اقدامات هیچ‌گونه تأثیری بر موازنه قدرت منطقه بر جای نگذاشته باشد (Cordesman, 1999: 350).

چوبین معتقد است که افزایش تجهیزات نظامی ایران نیز به طور طبیعی، حاصل تداوم حضور روزافزون آمریکا در خلیج فارس و نظامی کردن حکومت‌های سلطنتی و امیرنشین حاشیه خلیج فارس از سوی آمریکا در زمانی بود که این کشور تلاش می‌نمود تا مانع از دستیابی ایران به تسلیحات گردد (Chobin, 1999: 23).

با توجه به تحریم‌ها و تهدیدات منطقه‌ای و بین‌المللی نسبت به ایران، مسلم است که نمی‌توان انتظار داشت که این کشور نسبت به این اقدامات بی‌اعتنا باشد و بدیهی است که به‌منظور جبران کمبود منابع و دفع عقلایی تهدیدها و خنثی‌سازی تحریم‌ها، تلاش خود را معطوف به صنایع نظامی داخلی خود و توسعه مشترک نظامی با کره شمالی، پاکستان و سوریه نموده و با کمک روس‌ها و چینی‌ها، موفق به کسب قابلیت‌های لازم برای تولید زیردریایی، هواپیماهای جنگی، تانک، موشک و ادوات توپخانه‌ای شود (فصلنامه مطالعات سیاسی روز، ۱۳۸۴: ۲۸ / ۱۹۵: Jim, 2005).

مدل امنیت استراتژیک ایران براساس اندیشه‌های دفاعی مأخوذ از دین مبین اسلام است که بر بازدارندگی تأکید دارد. «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...» (انفال / ۶۰) و تلاش‌های دفاعی و فرایندهای رفتار استراتژیک ایران، برای مقابله با تهدیدات طراحی گردیده است.

۳. فرایندهای هسته‌ای شدن خاورمیانه

حدود یک دهه پیش، کودرزن، صاحب‌نظر در امر راهبردی خاورمیانه پیش‌بینی کرد که توان هسته‌ای اسرائیل و توسعه موشک‌های میان‌برد بالستیک از سوی این دولت، سرآغازی بر واکنش‌های زنجیروار در خاورمیانه خواهد بود.

نتیجه اینکه از عوامل بحران هسته‌ای خاورمیانه را می‌توان قابلیت‌های دفاعی و استراتژیک اسرائیل برشمرد. زیرا کشورهای خاورمیانه علاوه بر مقاصد صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای، هرگونه افزایش قدرت اسرائیل را به‌عنوان تهدیدی برای خود تلقی می‌کنند و مسلماً در قبال هر گونه اقدام اسرائیل از خود واکنش نشان داده در روند قدرت‌سازی قرار می‌گیرند (دمون، ۱۳۷۹: ۱۴۸).

با اینکه اسرائیل حمایت قاطع غرب به ویژه آمریکا را داراست و بدین‌وسیله به مزاد استراتژیک دست یافته اما با وجود این کشورهای خاورمیانه به طور وقفه‌ناپذیری با سیاست‌های هسته‌ای اسرائیل مخالفت می‌ورزند و آن را تهدیدی جدی برای امنیت ملی و خاورمیانه می‌دانند (Independent, 15 Febr, 1999).

از دیگر سو، شکست نهادهای منطقه‌ای، اتحادها و پیمان‌های دو یا چندجانبه و موازنه قدرت در منطقه برای تأمین امنیت کشورهایی که به‌شدت متأثر از تهاجم عراق

به کویت بودند، زمینه را برای پذیرش نقش دولتهای غیرعرب پیرامونی و استیلای آمریکا در منطقه فراهم کرد. این مسأله را می‌توان یکی از دلایل ناپایداری منطقه‌ای دانست. زمانی که واحدهای سیاسی نتوانند امنیت خود را از طریق همکاری و مشارکت با دیگران تأمین نمایند، طبیعی است که زمینه‌های لازم برای ایجاد فضای خوداتکایی در حوزه ابزارهای استراتژیک فراهم می‌شود. به این ترتیب، هسته‌ای شدن اسرائیل زمینه لازم برای قدرت‌یابی سایر کشورها را فراهم کرده است. این امر نشان می‌دهد که هرگونه تغییر در موازنه قدرت منطقه‌ای به ناپایداری امنیتی منجر می‌شود. چنانکه در دوران پس از جنگ خلیج فارس، تداوم درگیری میان دولتهای عربی باعث شد که نظام اتحادیه سران عرب به‌عنوان عرصه‌ای برای طرح مشترک تهدیدات امنیتی، فلج شود (هینبوش، ۱۳۸۲: ۱۷۶).

آمریکا برای پیشبرد اهداف خود در خاورمیانه علاوه بر هسته‌ای کردن اسرائیل و طرح شکل تازه‌ای از تروریسم به نام تروریسم بین‌المللی برای مقابله با نهادهای مرسوم در خاورمیانه که منافع آمریکا را در منطقه به مخاطره می‌اندازند، از نظام بین‌المللی ضد تکثیر هسته‌ای استفاده می‌نمایند و کشورهای رادیکال را وادار به پذیرش پروتکل الحاقی ۲ + ۹۳ کرده است.

در حال حاضر فضای غالب بر منطقه مبتنی بر تهدیدات فزاینده آمریکا است. به قدرت رسیدن محافظه‌کاران در آمریکا زمینه‌ای برای ایجاد فضای تعارض علیه کشورهای خاورمیانه فراهم کرد که این روند طی سالهای گذشته بیشتر شده است. حاصل این وضعیت عملاً پیدایش شرایط امنیتی است که حافظ منافع غرب و تقریباً استقلال دولتهای عربی است.

بدیهی است که حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس، ایران و عراق را منظور و هدف قرار داده و اشغال عراق از سوی آمریکا در واقع توجه آن کشور برای مقابله با سیاستهای خارجی ایران است تا جایی که سالهاست با تحریم‌های خود اقتصاد ایران را تحت تأثیر قرار داده و فعالیت‌های هسته‌ای را مختل کرده است، زیرا معتقدند که: ایران با برخورداری از ذخایر موشکی عظیم یکی از کشورهای نگران‌کننده محسوب می‌شود که در پی دستیابی به فناوری هسته‌ای است و در حال حاضر با روسیه همکاری هسته‌ای گسترده‌ای در زمینه ساخت راکتور هسته‌ای بوشهر دارد. ایران ممکن است در آستانه تبدیل شدن به یک کشور هسته‌ای باشد (اولسر، ۱۳۸۳: ۴۹ / Schulz, 2005: 59).

بدبینی غرب به سرکردگی آمریکا نسبت به ایران و حمایت بی‌دریغ از اسرائیل منجر به فضای مبهم امنیتی در منطقه خاورمیانه شده است. غرب به جای متعادل‌سازی معادله امنیت در منطقه تلاش دارد تا ایران را در فضای اتهامی قرار دهد و چنین تخمین می‌زند که ایران تا دستیابی به بمب هسته‌ای چندان فاصله‌ای ندارد.

(Independent, 15 Febr, 1999)

جالب اینجاست که اسرائیل از قابلیت‌های دفاعی و استراتژیک خاصی برخوردار است، اما هیچ‌گونه فضایی برای موازنه‌سازی قدرت اسرائیل وجود ندارد و کشورهای خاورمیانه در شرایط قدرت محدودتری نسبت به اسرائیل قرار دارند. فضای سیاسی و اجتماعی جدید خاورمیانه را می‌توان بستری برای جدال‌گرایی نامتقارن در نیمه دوم اولین دهه قرن ۲۱ دانست.

۴. اسلام سیاسی و مقاومت‌گرایی در برابر غرب

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و در سال‌های اخیر، سیاست‌های مدبرانه ایران در منطقه مشهود جهان اسلام است و موجب شده که موج سیاسی جدیدی در کشورهای خاورمیانه شکل بگیرد که این موج مقاومتی در برابر تهدیدات غرب است.

هینبوش می‌نویسد: دو کشور ایران و عربستان، مشروعیت خود را ناشی از اسلام می‌دانند، اما اسلام شیعی ایران از نوع انقلابی است، در حالی که اسلام سنی عربستان در حال حاضر، مشروعیت‌بخش وضعیت موجود است، اگرچه بیش از تفاوت‌های سنی و شیعی و نوع اسلام آنها، این وضعیت مبین تجارب متفاوت غرب در عرصه تکوین دولت است. عربستان هرگز استعمار را تجربه نکرد و استقلال خود را با حمایت‌های انگلستان و آمریکا به دست آورد. اما ایران قربانی غرب بود به این معنا که حکام این کشور به‌ویژه آخرین شاه آلت دست غرب محسوب می‌شد (هینبوش، ۱۳۸۲: ۲۰۵).

در فرهنگ سیاسی ایران اسلامی، امروزه شاهد جلوه‌هایی از مقاومت در برابر غرب هستیم، این مقاومت‌گرایی نه تنها در ایران بلکه در دیگر کشورهای اسلامی به‌گونه‌ای فزاینده مشهود است. هم‌اکنون اسلام سیاسی و مخالف غرب به‌عنوان محور اصلی منازعه در برابر غرب محسوب می‌گردد. به این دلیل است که تمامی کوشش غرب در مقابله با اسلام‌گرایان قرار گرفته است.

در زمانی که در عربستان سعودی عناصر مبارز اسلام‌گرا به نفع نخبگان طایفه‌ای و علمای محافظه‌کار از ائتلاف رژیم کنار گذاشته شدند (موثقی، ۱۳۷۹: ۱۰۲-۹۳)، اسلام سیاسی و پویای شیعی در ایران، اهرم قدرتی برای نخبگان غیرعرب زده تمام عیار بود که توانسته بودند هواداران خود را در میان توده‌های محروم بسیج کنند. تأثیر اندیشه‌های سیاسی اسلام معاصر را که متأثر از اندیشه‌های سیاسی ناب محمدی و مبین آن امام خمینی^(ره) بوده‌اند می‌توان در منطقه خاورمیانه حتی در حوزه شمال آفریقا مشاهده نمود (علوی، قربانی، ۱۳۷۹: ۱۹۹).

نتیجه‌گیری

منطقه خاورمیانه همواره با دو واژه بحران و منازعه تداعی می‌شود. در رخدادهای جدید، کشورهای این منطقه سعی می‌کنند تا در برابر تهدیدات و مداخله‌های غرب به سرکردگی آمریکا مقاومت نمایند. در این منطقه اسلام‌گرایی را باید رستاخیز مقاومت در برابر غرب دانست. کشورهای غربی طی دهه ۱۹۵۰ تاکنون حداکثر محدودیت‌های استراتژیک خود را علیه کشورهای اسلامی اعمال نموده‌اند. در این دوران‌ها غرب علاوه بر مقابله با اسلام‌گرایی تلاش وافر داشته تا به اسرائیل هویت بخشد. در این روند، دولت اسرائیل علیه کشورهای منطقه البته با همکاری گسترده خود با غرب که موجب دستیابی این کشور به مازاد قدرت گردیده به مداخلات نظامی، فرهنگی، امنیتی و اطلاعاتی روی آورده است، به این دلیل طبیعی خواهد بود که غرب به سرکردگی آمریکا و رژیم صهیونیستی اسرائیل به‌عنوان هدف ایدئولوژیک و استراتژیک اسلام سیاسی تلقی شوند. سیاست تغییر رژیم‌های متهاجم علیه غرب و جایگزینی رژیم‌های متمایل به غرب، به‌گونه‌های مختلفی علیه واحدهای اسلامی خاورمیانه به کار گرفته شده است، اما همچنان می‌توان محور اصلی جدال‌گرایی را علیه ایران اسلامی و سوریه و لبنان بسیار سازماندهی شده یافت. تجربه مداخله نظامی آمریکا در عراق ثابت کرده است که جدال‌گرایی سیاسی و مقابله با نظام‌های حکومتی که دارای مشروعیت سیاسی هستند، بسیار دشوار و شاید ناممکن باشد و ظهور نهضت‌های اسلام‌گرا را می‌توان به‌عنوان عامل حمایت از نهادهای سیاسی منطقه خاورمیانه در مقابل تهدیدهای غرب دانست. اما آنچه مسلم است و تاریخ به وضوح نشان داده، این است که هر میزان مداخلات غرب افزایش یابد، قابلیت گروه‌های اسلام‌گرا افزایشی دو چندان می‌یابد.

پی‌نوشت

(۱) آمار برگرفته شده از فصلنامه مطالعات سیاسی روز، سال ۴، شماره ۱۸، ۱۳۸۴، می‌باشد. لازم به ذکر است که طی سالهای ۱۹۸۷-۱۹۷۹ عربستان سعودی ۱۶۳ میلیارد دلار و عراق ۱۱۲ میلیارد دلار صرف خرید نظامی نموده‌اند. رک: *مجله دانشنامه*، شماره ۶۹، تابستان ۱۳۸۷، ص ۶.

منابع

۱. اولسر، ایان. «سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه»، *فصلنامه دفاعی و امنیتی*، ترجمه علی پورقلی، سال ۱۱، شماره ۳۹، ۱۳۸۳.
۲. ایزدی، پیروز. *استراتژی آمریکا برای قرن جدید*، مرکز چاپ سپاه، تهران، ۱۳۸۰.
۳. دمون، آزر. *امنیت ملی در جهان سوم*، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۷۹.
۴. علوی، سیدنادر و علیرضا قربانی. *انقلاب اسلامی در گستره نظام بین‌الملل*، عصر ظهور، تهران، ۱۳۷۹.
۵. *فصلنامه مطالعات سیاسی روز*، سال ۴، شماره ۱۸، ۱۳۸۴.
۶. موثقی، احمد. *جنبش‌های اسلامی معاصر*، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۹.
۷. هینبوش، ریموند. *سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه*، ترجمه علی گل محمدی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۸۲.
8. Chobin, Shahram. *Irans's National Security policy*, Washington DC. 1994 .
9. Cordesman, Anthony. *The lessons of modern war*, London, Mansell, 1999 .
10. Hoagland. Jim. *The Gulf 2005*, P195 States and Regional Ordrr. LONDON. Demos.
11. Independent. febr, 15, 1999 & guly, 21, 1993 .
12. Independent. Febr. 15, 1999 .
13. International Herald Tribune, guly, 30, 1998 .
14. Schulz. Helena and M. Schulz. "The Middle East" in M. Farrellet, *Gilobal politics of Regionalism*. London. pluto press. 2005 , p. 59 .